

Abraham ist Vater der Juden: Die Israeliten „sind Kinder Gottes und haben Anteil an seiner Herrlichkeit. Mit ihnen hat Gott mehrfach einen Bund geschlossen. ... Und er hat ihnen sein Versprechen gegeben. Sie sind Nachkommen der Stammväter.“ (Röm 9,4ab.5a)

Abraham ist Vater der Christen: „Die wahren Nachkommen Abrahams sind diejenigen, die aus dem Glauben leben. Die Heilige Schrift hat es vorausgesehen: Gott wird die Völker als gerecht anerkennen, weil sie aus dem Glauben an ihn leben. Schon im Voraus hat Gott dem Abraham diese Gute Nachricht verkündet: `Durch dich sollen alle Völker gesegnet werden.`“ (Gal 3,7b-8)

Christus ist der Nachkomme von Abraham: „Nun wurde Abraham und seinem Nachkommen von Gott ein Versprechen gegeben. Er sagt nicht: `und den Nachkommen`, als ob damit viele gemeint wären. Nein, es geht nur um einen: `dein Nachkomme`. Und das ist Christus.“ (Gal 3,16)

• **ابراهیم پدر یهودیان است:** آنها اسرائیلی‌اند و فرزندخواندگی، جلال، عهدها، ودیعه شریعت، عبادت در معبد، و وعده‌ها، همه از آن ایشان است؛

• **ابراهیم پدر مسیحیان است:** پس می‌بینید کسانی فرزند ابراهیم‌اند که به ایمان تکیه دارند. و کتاب چون پیشتر دید که خدا غیریهودیان را بر پایه ایمان پارسا خواهد شمرد، از این رو، پیشاپیش به ابراهیم بشارت داد که «همه قومها به واسطه تو برکت خواهند یافت.»

• **مسیح از نسل ابراهیم است:** حال، وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او داده شد. نمی‌گوید «و به نسلها»، چنانکه گویی درباره بسیاری باشد، بلکه می‌گوید «به نسل تو»، که مقصود یک تن یعنی مسیح است.

Das Gesetz gilt nur für eine begrenzte Zeit: „Es gibt ein Testament, das Gott für rechtskräftig erklärt hat. Dies kann nicht durch das Gesetz aufgehoben werden, das erst 430 Jahre später erlassen wurde. Das Gesetz kann Gottes Versprechen nicht auflösen. ... Warum gibt es dann das Gesetz? Es wurde erlassen, damit deutlich wird: Wir leben gegen Gottes Willen. Das Gesetz gilt so lange, bis der Nachkomme Abrahams da ist, auf den sich das Versprechen Gottes bezieht.“ (Gal 3, 17.19abc)

Durch Jesus sind wir Christen Kinder Gottes: „Aber seit die Zeit des Glaubens gekommen ist, sind wir nicht mehr dem Aufseher unterstellt. Ihr seid alle Kinder Gottes, weil ihr durch den Glauben mit Christus Jesus verbunden seid. Denn ihr habt in der Taufe Christus angezogen. Und durch sie gehört ihr nun zu ihm.“ (Gal 3,25+26)

Die Judenchristen sind der „heilige Rest Israels“: „Aus Gnade hat Gott einen Rest ausgewählt. Wenn es aber aus Gnade geschah, dann spielen die eigenen Taten dabei keine Rolle. Sonst wäre die Gnade ja nicht wirklich Gnade. Was bedeutet das? Israel hat nicht erreicht, worum es sich so sehr bemüht hat. Nur diejenigen, die Gott ausgewählt hat, haben es erreicht.“ (Röm 11,5b.6.7)

• **قوانین تنها برای مدت محدودی معتبرند:** سخن من این است شریعتی که چهارصد و سی سال بعد آمد، عهدهی را که خدا پیشتر بسته بود لغو نمی‌کرد، به گونه‌ای که وعده باطل گردد. زیرا اگر میراث بر شریعت استوار باشد، دیگر بر وعده استوار نیست؛ اما خدا آن را از راه وعده به ابراهیم عطا فرمود. پس مقصود از شریعت چه بود؟ شریعت به سبب نافرمانیها افزوده شد، آن هم تنها تا زمانی که آن 'نسل' که وعده به او اشاره داشت، بیاید. شریعت به وسیله فرشتگان و به دست واسطه‌ای مقرر گردید.

• **از طریق مسیح ما فرزندان خداییم:** اما اکنون که ایمان آمده، دیگر زیر دست آن مربی نیستیم. زیرا در مسیح عیسی، شما همه به واسطه ایمان، پسران خدایید.

• **یهودیان مسیحی باقی ماندگان اسرائیل مقدس هستند:** به همین‌سان، در زمان حاضر نیز باقیماندگانی هستند که از راه فیض انتخاب شده‌اند. اما اگر از راه فیض باشد، دیگر بر پایه اعمال نیست؛ وگرنه فیض دیگر فیض نیست. [اما اگر از راه اعمال باشد، دیگر بر پایه فیض نیست؛ وگرنه عمل دیگر عمل نیست.] پس چه نتیجه می‌گیریم؟ اینکه اسرائیل آنچه را مشتاقانه در پی کسبش بود، به دست نیاورد. اما برگزیدگان به دست آوردند و دیگران به سختدلی دچار شدند.

Die Christen aus den Völkern haben durch die Verschlussheit der meisten Juden Zugang zu Gott/zu Jesus bekommen: „Der Fehltritt, (dass die meisten Juden nicht an Jesus glauben), brachte den anderen Völkern die Rettung. Das sollte die Juden eifersüchtig machen. Ihr Fehltritt hat der Welt (den Heidenchristen) reichen Gewinn gebracht und die geringe Zahl (der Judenchristen) den Christen aus den Völkern (Raum gegeben).“ (Röm 11, 11c.12a)

Ganz Israel wird gerettet werden: „Tatsächlich hat Gott dafür gesorgt, dass sich ein Teil von Israel vor ihm verschließt. Das soll aber nur so lange dauern, bis die Völker sich ihm zugewandt haben. Und auf diese Weise wird schließlich ganz Israel gerettet werden. In den heiligen Schriften heißt es auch: `Vom Zion wird der Retter kommen und alle Gottlosigkeit von Jakob nehmen.`“ (Röm 11,25 c-26)

• **مسیحیان از میان مردم به خاطر گوشه نشینی بسیاری از یهودیان به خداوند - مسیح دسترسی یافتند:** باز می‌پرسم: آیا لغزیدند تا برای همیشه بیفتند؟ هرگز! بلکه با نافرمانی آنان، غیریهودیان از نجات بهره‌مند شدند، تا در قوم اسرائیل غیرت پدید آید. اما اگر نافرمانی آنها باعث غنای جهان گشت و شکستشان باعث غنای غیریهودیان، کامل شدن تعدادشان چه نتایج بس عظیمتری در پی خواهد داشت؟

• **اسرائیل به طور کلی نجات خواهد یافت:** ای برادران، نمی‌خواهم از این راز غافل باشید - مبادا خود را دانا بیندارید - که سختدلی بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است، تا وقتی که شمار کامل غیریهودیان داخل گردند. و این‌چنین تمامی اسرائیل نجات خواهد یافت. چنانکه نوشته شده است: رهااننده از صهیون خواهد آمد و بی‌دینی را از یعقوب بر خواهد انداخت.

حضار گرامی:

1. پولس داستان نجات خدا را با یهودیان و مسیحیان از ابراهیم تا ابدیت به ما نشان می دهد. این داستان نجات برای زندگی ما چیست؟ ما که امروز زندگی می کنیم می توانیم چه کار بردی در زندگی خود داشته باشیم؟

المصلین الأعزاء!

1. يقدم بولس قصة خلاص الله مع اليهود والمسيحيين من إبراهيم إلى الأبد. ما هي رسالة قصة الخلاص هذه لحياتنا؟ ماذا يمكننا نحن الذين نعيش اليوم أن نطبق هذا على حياتنا؟

2. پولس می گوید: «آنچه خدا به فضل داده است پس نمی گیرد. و هر که را که یکبار او را صدا زده باشد، همچنان باقی می ماند.» (رومیان 11:29) یهودیان قوم برگزیده خدا هستند و خواهند ماند. برای ما مسیحیان در طول قرون، این موضوع اغلب مشکل بوده است. بسیاری فکر می کردند: خداوند یهودیان را رد کرده است و فقط مسیحیان قوم برگزیده خدا هستند. یهودیان در طول قرن ها بارها و بارها مورد آزار و اذیت مسیحیان قرار گرفته اند. امروز ما از آن شرم داریم.

2. يقول بولس: "ما أعطاه الله بالنعمة لا يسترده. ومن دعا مرة واحدة يبقى كذلك." (رو ١١: ٢٩) واليهود هم شعب الله المختار ولا يزالون. بالنسبة لنا نحن المسيحيين، كان هذا موضوعًا صعبًا على مر القرون. يعتقد كثيرون: لقد رفض الله اليهود والمسيحيون وحدهم هم شعب الله المختار. لقد تعرض اليهود للاضطهاد والقمع من قبل المسيحيين مرارًا وتكرارًا على مر القرون. اليوم نخجل منه.

3. پس از کشته شدن 6 میلیون یهودی در دوران نازی ها ، بسیاری از مسیحیان مجدداً کتاب مقدس را مورد تحقیق قرار داده و به ویژه در پولس ، به یهودیان به عنوان قوم برگزیده خدا احترام و محبت نشان داده اند. حتی اگر آنها به عیسی اعتقاد ندارند ، با انتخاب و لطف خدا یهودیان به اندازه ما مسیحیان متعلق به خدا هستند. بنابراین ما مسیحیان باید به یهودیان احترام بگذاریم و آنها را در برابر حملات محافظت کنیم.

3. بعد مقتل 6 ملايين يهودي في ظل حكم النازيين ، أعاد العديد من المسيحيين البحث في الكتاب المقدس ووجدوا ، خاصة عند بولس ، الاحترام والحب لليهود كشعب الله المختار. حتى لو لم يؤمنوا بيسوع ، فإن اليهود ، باختيار الله ونعمته ، ينتمون إلى الله بقدر ما ينتمون إلينا نحن المسيحيين. لذلك يجب علينا كمسيحيين احترام اليهود وحمايتهم من الهجمات.

4. پولس می گوید: در نهایت همه اسرائیل نجات خواهند یافت. "نجات دهنده از صهیون خواهد آمد و تمام شرارت ها را از یعقوب خواهد گرفت" (رومیان 11:26). انتخابات دائمی اسرائیل در این واقعیت محقق می شود که در نهایت همه یهودیان از طریق عیسی ، نجات دهنده صهیون نجات خواهند یافت. همه یهودیان - این بدان معناست که همه یهودیانی که تا به حال زندگی کرده اند ، که بسیاری از آنها مدتهاست در طول هزاره ها مرده اند.

4. يقول بولس: في النهاية سيخلص كل إسرائيل. "المخلص سيأتي من صهيون ويأخذ كل شر من يعقوب" (رومية 11: 26) يتحقق الاختيار الدائم لإسرائيل في حقيقة أنه في النهاية سيخلص جميع اليهود من خلال يسوع مخلص صهيون. كل اليهود - هذا يعني جميع اليهود الذين عاشوا على الإطلاق ، والذين مات منهم الكثير جدًا منذ زمن طویل على مدى آلاف السنين.

5. إذا ظهر يسوع لجميع اليهود
كمخلص من صهيون ، فهذا
يعني أن يسوع يمكنه أيضًا
مقابلة الأموات. ثم هذا يعني أن
يسوع يمكن أن يقود الناس الذين
لم يؤمنوا به في حياتهم على
الأرض ، حتى بعد الموت. ما
يفعله يسوع ويمكن أن يفعله
تجاه جميع اليهود ، يمكنه أيضًا
أن يفعله لكل شخص آخر لم
يؤمن بعد بيسوع.

5. اگر عیسی برای همه یهودیان به
عنوان نجات دهنده صهیون ظاهر می
شود ، بدین معناست که عیسی نیز
می تواند با مردگان ملاقات کند. پس
این بدان معناست که عیسی می تواند
افرادی را که در زندگی زمینی خود
به او ایمان نداشتند ، حتی پس از
مرگ ، هدایت کند. کاری که عیسی
نسبت به همه یهودیان انجام می دهد
و می تواند انجام دهد ، او می تواند
برای هر شخص دیگری که هنوز به
عیسی ایمان نیاورده است ، انجام
دهد.

6. بالنسبة لي هذا يعني الأمل.
خاصة عندما يموت أقارب
المسيحيين الذين كانوا ملحدين
أو مسلمين ، يمكننا أن نأمل
في أن يلتقي بهم المسيح
كمخلص حتى بعد موتهم.
يسوع لديه القوة لفعل هذا ،
وهو أيضًا رب الموتى.
(رومية 14: 9 ب) يمكننا أن
نطلب منه إنقاذ أحبائنا ونأمل
بنعمته.

6. برای من این به معنی امید
است. به ویژه هنگامی که
بستگان مسیحیان ما ملحد یا
مسلمان می میرند ، می توان
امیدوار بود که عیسی حتی پس
از مرگ آنها نیز به عنوان نجات
دهنده آنها را ملاقات کند. عیسی
قدرت انجام این کار را دارد ، او
همچنین خداوند بر مردگان است .
(رومیان 14b: 9) ما می توانیم از
او برای نجات عزیزانمان بخواهیم
و به فیض او امیدوار باشیم.

7. تاریخ نجات خدا با قومش از طول ، عرض و وسعت زیادی برخوردار است. آنچه خداوند به ابراهیم وعده داده بود ، هزاران سال بعد در عیسی محقق می شود. از ابراهیم به بعد او در فراز و نشیب های زیادی به قوم خود اسرائیل وفادار ماند. خداوند برنامه نجات خود را با بشر با نفس طولانی در طول هزاره ها دنبال می کند. حتی مرگ به معنای محدودیت برای نجات او با مردم نیست.

7. إن تاریخ خلاص الله مع شعبه طویل ، و عرض ، و اتساع. ما وعد الله به ابراهیم ، حقه في يسوع بعد آلاف السنين. من ابراهیم فصاعدًا ظل مخلصًا لشعبه إسرائيل خلال العديد من التقلبات. يتابع الله خطته للخلاص مع البشرية بنفسی طویل یمتد لآلاف السنين. حتی الموت لا یعنی حدًا لنوايا الخلاص مع الناس.

8. برای زندگی ما این بدان معناست که: خدا نیز با ما وفادار و قابل اعتماد است. او در تمام طول زندگی هدف خوب خود را با ما دنبال می کند. از تولد ما تا مرگ ما و پس از آن ، او ما را راهنمایی و پشتیبانی می کند. حتی اگر او فوراً تمام دعاهای ما را برآورده نکند ، فراموش نمی کند که ما به چه چیزی نیاز داریم و چه چیزی برای ما خوب است. به یاری خدا ، ما فقط از راه های دوراهی و دره های عمیق به برخی اهداف خوب می رسیم. حتی اگر نبینیم که خدا می خواهد ما را به کجا برساند ، او راه را می داند و با وفاداری و اطمینان در کنار ما ایستاده است.

8. وهذا يعني بالنسبة لحياتنا أن الله معنا أيضاً أمين وموثوق. يسعى وراء هدفه الجيد معنا طوال حياتنا كلها. من ولادتنا إلى موتنا وما بعده، يرشدنا ويدعمنا. حتى لو لم يتم جميع صلواتنا على الفور ، فإنه لا ينسى ما نحتاج إليه وما هو خير لنا. بعون الله ، نحقق بعض الأهداف الجيدة فقط من خلال المنعطفات والوديان العميقة. حتى لو لم نرى إلى أين يريد الله أن يقودنا ، فهو يعرف الطريق ويقف بجانبنا بإخلاص وثقة.

9. ما فرزندان فضل هستيم. ما با آنچه انجام می دهيم متعلق به خدا نيستيم. اما چون خدا به ما لطف می بخشد ، چون ما متعلق به عیسی هستيم ، ما فرزندان او هستيم. ما كودکی خود را با خدا از طريق خود به دست نمی آوريم و از طريق خود نیز از دست نمی دهيم. ما فرزندان لطف هستيم و خواهيم ماند.

9. نحن أبناء النعمة. نحن لسنا لله من خلال ما فعله. ولكن لأن الله يعطينا نعمته ، ولأننا ننتمي إلى يسوع ، فنحن أولاده. نحن لا ننال طفولتنا مع الله من خلال أنفسنا ولا نفقد من خلال أنفسنا أيضًا ، فنحن كذلك وسنظل أبناء النعمة.

10. هذا شيء رائع - ولا يمكن لأحد أن يسلبه منا. أن أكون محبوبًا ومحتفظًا به دون قيد أو شرط يجعلني حراً وهادئًا. مهما حدث فأنا ابن نعمة. أعيش بيد يسوع. حتى لو كنت متعبًا أو مريضًا في بعض الأحيان أو إذا هاجمني الآخرون أو تعرضت حياتي للخطر، فأنا غير قابل للتدمير كطفل نعمة!

10. این که من فرزند لطف هستم، یک عزیزم، در لحظات خوب زندگی من نشان داده می شود، زمانی که خدا چیزهای خوب زیادی به من می دهد و او از جهات مختلف کارها را برایم آسان می کند. اما این که من فرزند محبوب خدا هستم و لطف او مرا در بر می گیرد، این قدرت او را به ویژه در دوران سخت زندگی من نشان می دهد: وقتی با چالش هایی روبرو می شوم که در واقع "اندازه ای بزرگ برای من" هستند.

11. إني طفل نعمة ، ومحبوب ، يظهر في الأوقات الجيدة من حياتي ، عندما يمنحني الله الكثير من الأشياء الجيدة وهو يجعل الأمور سهلة بالنسبة لي من نواح كثيرة. لكني أنا ابن الله الحبيب ونعمته تحملني ، وهذا يظهر قوته خاصة في الأوقات الصعبة من حياتي: عندما أواجه تحديات هي في الواقع "حجم كبير جدًا" بالنسبة لي.

11. این که من فرزند لطف هستم ، یک عزیزم ، در لحظات خوب زندگی من نشان داده می شود ، زمانی که خدا چیزهای خوب زیادی به من می دهد و او از جهات مختلف کارها را برایم آسان می کند. اما این که من فرزند محبوب خدا هستم و لطف او مرا در بر می گیرد ، این قدرت او را به ویژه در دوران سخت زندگی من نشان می دهد: وقتی با چالش هایی روبرو می شوم که در واقع "اندازه ای بزرگ برای من" هستند.

12. دقیقاً در آن زمان است که من نیاز دارم - با همه چیزهایی که مرا به چالش می کشد و به این طرف و آن طرف می کشاند - این نقطه ثابت را در زندگی ام داشته باشم که تمام زندگی من را پشتیبانی می کند. باد شدیدی مرا به جلو و عقب می برد ، اما خدا بی قید و شرط در کنار من ایستاده است. ما چندین مشکل را به طور همزمان ایجاد می کنیم ، اما من همیشه اینطور فکر می کنم بازگشت به استراحت و قدرت ، زیرا عیسی دست مرا گرفته و رهایش نمی کند.

12. عندها بالضبط ما أحناجه - مع كل ما يتحدني ويدفعني ذهاباً وإياباً - أن لدي هذه النقطة الثابتة في حياتي التي تدعم حياتي كلها. ریح قویة تحركني ذهاباً وإياباً ، لكن الله يقف بجانبی دون قيد أو شرط. نخلق العديد من المشاكل في وقت واحد ، لكنني دائماً أجد السلام والقوة لأن يسوع يمسك بي بيده ولن يتركها.

13. هذا ما أشعر به في هذا الوقت. بسبب الوضع في Kreuzkirche، أرى نفسي أواجه تحديات كبيرة وغالبًا ما تواجه أسئلة أكثر من الحلول. هذا أيضا يستنزف قوتي. لكن في نفس الوقت أشعر: الله يرشدني خلال كل التقلبات في مسار واضح. حقيقة أن يسوع يحبني وذهب إلى موته من أجلني هي رسالة قوية تدعمني الآن. يدفعني الروح القدس مرارًا وتكرارًا، ويفتح الأبواب، ويمنحني الشجاعة والطاقة، ويلهمني والأخريين.

13. این احساسی دارم در این زمان. با توجه به وضعیت Kreuzkirche، من خودم را با چالش های بزرگ و اغلب بیشتر از راه حل ها مواجه می بینم. این نیز از قدرت من می کاهد. اما در عین حال احساس می کنم: خدا مرا در تمام فراز و نشیب ها در یک مسیر مشخص هدایت می کند. این حقیقت که عیسی من را دوست دارد و برای من جان سپرد، لنگر محکمی است که در حال حاضر از من حمایت می کند. روح القدس بارها و بارها من را هدایت می کند، درها را باز می کند، به من شجاعت و انرژی می بخشد، به من و دیگران الهام می بخشد.

14. نحن جميعًا جزء من تاريخ خلاص الله ونحن نتجه نحو ملكوت الله. ملكوت الله موجود بالفعل في العلامات: في المسيحية ، التي تتدهور في أوروبا ولكنها آخذة في النمو في جميع أنحاء العالم. علامة أخرى لملكوت الله هي أن المساواة بين جميع الناس ، والتي يسميها بولس على أنها أساسية للمجتمع المسيحي ، أصبحت أكثر انتشارًا في عالمنا الحديث: "هنا لا يوجد يهودي ولا يوناني ، لا عبد ولا أحرار ، لا رجل ولا امرأة ،"

(غل 3: 28 أ) ،

14. همه ما بخشی از تاریخ خدا هستیم و به سمت ملکوت خدا حرکت می کنیم. پادشاهی خدا در حال حاضر نشانه هایی دارد: در مسیحیت ، که در اروپا رو به افول است اما در سراسر جهان در حال رشد است. یکی دیگر از نشانه های پادشاهی خدا این است که برابری همه مردم ، که پولس آن را برای جامعه مسیحی اساسی می نامد ، در جهان مدرن ما بیش از پیش رواج یافته است: "در اینجا نه یهودی وجود دارد و نه یونانی ، نه برده و نه آزاد ، نه مرد و نه زن ،"

(غلاطیان 3:28 الف) ،

15. تاریخ نجات خدا با قوم خود.
هزاران سال ادامه دارد و در حد مرگ
متوقف نمی شود. او را که یکبار مانند
قوم اسرائیل انتخاب کرده است ، برای
همیشه به آنها وفادار خواهد ماند. آنچه
هستم و هستم ، به لطف خدا هستم.
زندگی چالش هایی را برایم پیش می
آورد ، اما من به دست عیسی هستم.
حتی اگر مسیر در حال حاضر دشوار
باشد ، عیسی من را ترک نمی کند و
بنابراین می توانم با اطمینان ادامه دهم.
هدف من ، راه ما ، پادشاهی خداست ،
سعادت ابدی ،

آمین.

15. تاریخ نجات خدا با قوم خود.
هزاران سال ادامه دارد و در حد مرگ
متوقف نمی شود. او را که یکبار مانند
قوم اسرائیل انتخاب کرده است ، برای
همیشه به آنها وفادار خواهد ماند. آنچه
هستم و هستم ، به لطف خدا هستم.
زندگی چالش هایی را برایم پیش می
آورد ، اما من به دست عیسی هستم.
حتی اگر مسیر در حال حاضر دشوار
باشد ، عیسی من را ترک نمی کند و
بنابراین می توانم با اطمینان ادامه دهم.
هدف من ، راه ما ، پادشاهی خداست ،
سعادت ابدی ،

آمین.